

آنطور که در شعارهای تبلیغاتی دولت چهاردهم مطرح شده بود، مطالبات بر زمین مانده آموزش و پرورش راه چاره پیدا خواهند کرد، البته این مهم جز با سکنداری وزیری متخصص، عملیاتی و آشنا با چالش‌های مخاطبان وسیع این نهاد تأثیرگذار و پاشنه آشیل فرهنگی کشور میسر نخواهد بود. ■ ■ ■

رقابت و کارزار انتخاباتی برای تصدی چهاردهمین دوره دولت جمهوری اسلامی بعد از اما و اگرهای بسیار سرانجام به پایان رسید و مسعود پزشکیان به عنوان نهمین رئیس‌جمهور تا چند روز دیگر به طور رسمی واکتش بعد از پیروزی در انتخابات اعلام کرد: «مسیر دشوار پیش رو جز با همراهی، همدلی و اعتماد شما هموار نخواهد شد، دستم را به سوی شما دراز می‌کنم و به شرافتم سوگند می‌خورم که در این راه تنهای‌تان نخواهم گذاشت، تنهایی نگذارید.» چنان که از این پیام برمی‌آید، همراهی و کمک به اصلاح شرایط در برنامه‌های رئیس‌جمهور منتخب مورد توجه است و بر این اساس انتظار می‌رود آموزش و پرورش به عنوان دستگاه متولی تعلیم و تربیت کشور با جمعیت مخاطبان گسترده، همانطور که تأثیر بسزایی در روند برد و باخت نامزدهای انتخاباتی دارد، در برنامه‌ریزی‌ها هم جزو اولویت‌ها باشد و این در حالی است که معمولاً در دوره‌های مختلف و روی کار آمدن هر جناح سیاسی، جزو مظلوم‌ترین و حاشیه‌ای‌ترین وزارتخانه‌ها بوده است.

بارها به انباشت چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای که جامعه مخاطبان این مجموعه عیالوار با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، در رسانه‌های مختلف پرداخته شده و آنچه وجه اشتراک تمام این نقدها و نظرها بوده است، نبود راهکاری جدی برای اولویت‌فرار دادن این وزارتخانه در صف رفع مشکلات است؛ مشکلاتی که به طور اجمالی از دید یک دانش‌آموز کمبودها و چالش‌های بعد پرورشی و آموزشی و نادیده‌نگاشتن اصل ۳۰ قانون اساسی، از دید والدین مشکلات ارتباطی میان خانه و مدرسه و از دید معلمان و جامعه فرهنگی کشور مشکلات منزلتی و معیشتی است.

■ فشار سنگین آموزش بر دوش دانش‌آموزان گپ‌و‌گفت با دانش‌آموزان و انتظاری که آنان از دولت جدید و به طور ویژه وزیر آموزش و پرورش دارند، در مقاطع تحصیلی مختلف به افضای سنن و شرایط تفاوت‌هایی داشته است و البته در برخی موارد نقطه مشترکی دارند و آن هم «تنبیب آموزشی» است؛ موضوعی که شعار خوش‌رنگ و لعاب و اغواکننده برای اقطاع مخاطبان با هر جناح سیاسی و گرایش فکری است، اما آنچه تاکنون در عمل مشاهده شده، نه تنها گشایشی در این زمینه نبوده است بلکه تفاوت فاحش قبولی کنکور میان دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیردولتی، برنامه‌های آموزشی و پرورشی متنوع مدارس خاص و غیردولتی در مقاطع تحصیلی پایین‌تر و اخیراً هم امکانات بهتر در برگزاری آزمون نهایی متوسطه دوم را نمایانگر کرده که مصداق نیازمندی به اصلاحات و تغییرات بنیادی است. «فشار کنکور» غولی که کمتر فرد دارای تحصیلات آکادمیک هست که در مواجهه با آن آسیب ندیده باشد و چند سالی می‌شود زخم‌هایی آن به کام بچه‌پولدارها بیشتر شده است.

براساس اطلاعاتی که از آزمون سال گذشته برآمده است، سه نفر از ۲۰ نفر برترین‌های کنکور در مدارس دولتی درس خوانده‌اند و این یعنی افول کیفیت مدارس دولتی، هر چند به زعم آموزش و پرورش‌های‌ها به ویژه آموزش و پرورش، مدارس سمپاد که نوعی از مدارس دولتی هستند، سهم قابل توجهی

در برترین‌ها داشته‌اند و این اظهار نظر یعنی نادیده‌گرفتن شرایط خاص پذیرش این مدارس و توانمندی دانش‌آموزان آن که از لحاظ توانمندی آموزشی از روند نرمال بالاتر هستند. موضوع دیگر مصوبه پر از اما و اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر برگزاری امتحانات نهایی سه پایه متوسطه دوم و تأثیر معدل بر نتیجه کنکور و همچنین برگزاری دوم‌تیمی برای این مارتن علمی است که به عنوان راه چاره برای کاهش استرس دانش‌آموزان در نظر گرفته شد، اما آنطور که از گفت‌وگو با دانش‌آموزان متوسطه دوم دریافتیم، این راهکار چندان گشایشی برای آنان نداشته است و آنطور که گزارش‌های مردمی از حوزه امتحانات نهایی حکایت دارد، سطح کیفی برگزاری آزمون از امکانات برگزاری تاحوه تدریس دانش‌آموزان باز هم در دوقطبی مدارس خاص و غیردولتی تفاوت فاحشی با سایر مدارس دارد، از

سوی دیگر دانش‌آموزان مقاطع پایه در متوسطه دوم از فشار و استرس آموزشی که حتی روزهای تعطیلات تابستانی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شکایت دارند.

به گفته برخی دانش‌آموزان مدارس خاص که در آستانه ورود به پایه یازدهم هستند، فشار آموزشی که از زمان ورود به متوسطه دوم برای کسب نتیجه بهتر در آزمون نهایی به آنان وارد می‌شود و حتی آموزش‌های تمام‌وقتی که از دوران تابستان از سوی مدرسه تنبیه می‌شود، فشار کنکور را از یک سال آموزش به سه سال افزایش داده است. از سوی دیگر برخی دانش‌آموزان به‌خصوص در مقطع متوسطه اول از نبود آینده روشن و تصور مبهم انتخاب‌رشته صحبت می‌کنند، به ویژه از سوی دانش‌آموزان پسر مدارس دولتی که در دوره‌ای انتخاب رشته‌های برای عملی‌تردید دارند و نبود مشاور و راهنمای مناسب برای آنان

«لباس فرم مدرسه» بهانه‌ای برای خالی کردن جیب والدین

۸۳۷ هزار تومان کجا ۶ میلیون تومان کجا؟!!

اما باید به دلیل قوانین من‌در آوردی مدارس که اتفاقاً هیچ نظارت جدی هم روی آن نیست، هر سال هزینه گزافی بابت لباس فرم بپردازند؛ هزینه‌ای که در کمال ناباوری این روزها سر به فلک زده است، خصوصاً که طبق همان قوانین من‌درآوردی، والدین عمدتاً باید این لباس‌های فرم را از محل‌هایی تهیه کنند که مدرسه می‌گوید! یعنی حتی اگر پدرومادر دانش‌آموز خیاط هم باشند، نمی‌توانند خود برای دوخت و دوز لباس فرم فرزندشان اقدام کنند تا ندکی از هزینه‌ها بکاهند.

هم‌زمان با نزدیک‌شدن به آستانه سال تحصیلی جدید، والدین دانش‌آموزان هزینه تأمین کیف، کفش و نوشت‌افزار را درنظر می‌گیرند تا شرایط را برای حضور فرزندشان در کلاس درس مهیا کنند. در این میان آنها باید هزینه خرید لباس فرم یا همان روپوش مدرسه را تأمین کنند، هر چند قیمت تمام‌شده این لباس‌ها از سوی انجمن اولیا و مربیان تعیین شده است، اما برخی

مدارس هزینه‌های گران‌تر از این مبلغ اعلامی را از خانواده‌ها طلب می‌کنند، این در حالی است که هزینه ۵۴۸ تا ۸۲۷ هزار تومانی اعلام‌شده هم برای قشر ضعیف جامعه بالاست، به خصوص اگر در یک خانه چند دانش‌آموز حضور داشته باشد. در چنین شرایطی همانند سال‌های گذشته تعداد زیادی از والدین نسبت به بی‌کیفیتی این لباس‌ها ابراز نارضایتی می‌کنند.

■ **روزبه‌روز قیمت آموزش بالاتر می‌رود!** قرار به سوادآموزی دانش‌آموزان بود و نه شیک و پیک کردن آنها. سالیان سال است مسئولان مدارس کشور در همه مقاطع تحصیلی پیشنهاد لباس واحد و یکدست برای دانش‌آموزان را می‌دهند تا نظم و ترتیبی در مدارس ایجاد شود؛ پیشنهادی که در اغلب مواقع به اجبار تبدیل می‌شود، در صورتی که هیچ مصوبه خاصی در آموزش و پرورش مبنی بر تهیه لباس فرم مدرسه وجود ندارد. بدتر آنکه برخی مدارس پا را فراتر گذاشته‌اند و با دادن تزیهای چون لباس ورزشی متحدالشکل این رقم را سنگین‌تر هم می‌کنند. متأسفانه این روزها درسی خواندن که قاعدتاً باید برای عموم مردم رایگان باشد، به مقوله‌ای لا‌کچری در جامعه تبدیل شده است که روزبه‌روز قیمت آن بالا و بالاتر می‌رود.

■ **گران و بی‌کیفیت!** خانواده‌ها نسبت به لباس‌های فرم مدرسه گلایه دارند، آنها می‌گویند این لباس‌ها گران است و کیفیت بالایی ندارد. خانم کلباسی که به تازگی ساکن منطقه ۱۴ تهران شده است، در این رابطه به «جوان» می‌گوید: «موقع ثبت‌نام پسرم در مدرسه ابتدایی گفتند که باید ۲ میلیون تومان شهریه ببردام، من هم ناچار به پرداخت این پول شدم، تصور این بود که این پول بابت همه هزینه‌ها از جمله لباس فرم مدرسه است، اما اشتباه فکر می‌کردم چراکه موقع خروج از مدرسه یک برگه به من دادند و گفتند که باید از آنجا برای پسرم لباس تهیه کنم! برای همین به تولیدی لباس معرفی‌شده رفتم و دیدن قیمت‌ها شوکه‌ام کرد، در حالی که اعلام می‌شود قیمت لباس‌ها نباید از ۸۲۷ تومان بیشتر باشد، بابت هر دست لباس یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان پول گرفتند.»



گزارش «جوان» از دردهای مزمن آموزش و پرورش

معلمان نخبه و فنی و تغییر محتوای کتاب‌ها تنها چاره ارتقای تعلیم و تربیت

ادامه‌دهنده راه معلم تکمیل کند. از سوی دیگر باوجودی که در فصل ثبت‌نام مدارس هشتم، محدوده‌بندی و سنگ‌اندازی‌هایی که مدارس برای نام‌نویسی دارند، مشکل دیگری است که اولیا با آن مواجهند. مدارس غیردولتی و خاص همچنان فاکتور شرط معدل و آزمون خاص را مسیر ورود در نظر گرفته‌اند و برای ثبت‌نام در مدارس دولتی عادی هم باید هفت‌خانی از محدوده جغرافیایی گرفته تا تکمیل نشدن ظرفیت کلاس‌ها طی کرد.

■ **حق و حقوق به حاشیه رانده‌شده برای جامعه فرهنگی**

فرهنگیان که به جرئت می‌توان آنان را مهم‌ترین و اثرگذارترین عنصر در نظام تعلیم و تربیت دانست، با وجود جمعیت میلیونی و اثرگذاری بالا همچنان خواسته‌های‌شان در حاشیه قرار دارد، تفاوتی ندارد در کدام دولت و جناح باشد، راه چاره برای

مشکلات‌شان همواره روی کاغذ باقی می‌ماند یا درصد کمی تحقق پیدا می‌کند و این در حالی است که مهم‌ترین عنصر ایجاد تحول در منابع انسانی جامعه آموزش و پرورش و ذیل آن معلمان هستند، بنابراین نیاز به توجه و تغییر نگرش کاملاً ضروری است.

رامین کریمی‌نیا از فرهنگیان که سال‌هاست پیگیر مطالبات این قشر عظیم است و کارشناس این حوزه به شمار می‌رود، در مورد اصلی‌ترین مطالبات جامعه فرهنگی در گفت‌وگو با «جوان» گفت: ایجاد سازمان نظام معلمی، حل مشکلات صندوق ذخیره با حضور نمایندگان واقعی معلمان، رفع تبعیض بین معلمان با سایر کارمندان دولت در برخورداری از رفاهیات و پرداخت بموقع و ماهانه حق‌التدریس‌ها، هزینه امتحانات و همچنین افزایش میزان پرداختی به منظور انگیزهبخشی باید مورد توجه قرار گیرند.

وی ادامه داد: پرداخت همزمان پاداش بازنشستگی همانند سایر کارکنان دولت، رفع مشکلات بیمه و بیمه تکمیلی و درمان، رفع مشکل مسکن معلمان، پرداخت معوقات رتبه‌بندی و سایر مطالبات معلمان شاغل و بازنشسته از دیگر مواردی است که همواره مطالبه‌گری فرهنگیان را به دنبال داشته است.

■ **صف مدعیان وزارت و پاسخ به مطالبات فرهنگیان**

همانطور که تکاپو و کوشگری فرهنگیان در کیفیت جامعه و حتی انتخاب مسئولان قوای مجریه و مقننه اثرگذار است، انتخاب فردی برای تصدی وزارتخانه مربوط به آنان هم اهمیت بالایی دارد.

کریمی‌نیا در این مورد با اشاره به اینکه توجه به نظرات معلمان در انتخاب وزیر و مدیران ضرورت دارد و باید هرم انتخاب از مدرسه آغاز شود، گفت: ثبات مدیریتی و عدم تغییر مدیران کارآزموده از دیگر مواردی است که به وضوح فقدان آن را دیده‌ایم و طول عمر فعالیت وزرا کمتر از دو سال است. وی جایک‌سازی آموزش و پرورش و کوچک‌کردن ساختار و تعداد نیروهای وزارتخانه و ادارات را هم مورد توجه قرار داد.

کریمی‌نیا گفت: از دیگر مطالبات فرهنگیان عدم گزینش سیاسی مدیران ارشد میانی و اجرایی و توجه به انتخاب بر مبنای تخصص‌های مربوط است.

این کارشناس، بهبود کیفیت رتبه‌بندی را به طوری که در کیفیت آموزش و پرورش و ارتقای شغل معلمی و رقابت مثبت نقش اساسی داشته باشد، خواستار شد و تأکید کرد: باید این روند از جمع‌آوری صرف مدارک به بررسی کیفیت کار معلم تغییر جهت دهد.

■ **نسخه معلمی برای بالارفتن از نردبان کیفیت آموزشی**

کریمی‌نیا همچنین به تغییر محتوای کتاب‌های درسی منطق با آخرین یافته‌های علوم روز دنیا اشاره و اظهار کرد: این موضوع نه تنها بار آموزشی مطالب را ارتقای دهد بلکه به افزایش رغبت دانش‌آموزان در فراگیری دروس کمک می‌کند. کریمی‌نیا اضافه کرد: توجه ویژه به جذب نخبگان و بهترین‌های علمی و فنی در رشته معلمی و اصل بودن تخصص و مهارت‌های تخصصی و حرفه‌ای در گزینش معلمان اهمیت زیادی دارد.

این کارشناس حوزه تعلیم و تربیت به آموزش دقیق و به‌روز و کاربردی معلمان قبل و بعد از آغاز به کار اشاره کرد و گفت: اختصاص بهترین فضاها به مدارس با تجهیزات روز دنیا و حل مسائل مختلف مانند سرعت اینترنت و سالن ورزشی، کاهش تراکم کلاس‌های درسی و افزایش سهم بودجه آموزش و پرورش و برابری با نسبت جهانی از دیگر مواردی است که باید بدان توجه شود.



بخزندار موضوعی که یکی دیگر از والدین به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «سال گذشته به آدرس تولیدی لباسی که مدرسه تعیین کرده بود، رفتم و برای ختم روپوش مدرسه خریدیم، با وجود اینکه این لباس برای سال تحصیلی جدید و قابل استفاده است اما مسئولان مدرسه می‌گویند در سال تحصیلی جدید رنگ دیگری برای لباس‌ها تعیین کرده‌اند و باید لباس جدید بخریم. کاش این تنوع و این همه اصرار به تغییر لباس بچه‌ها در آموزش هم وجود داشت، نه اینکه بدترین نوع آموزش را در کنار لباس‌های رنگارنگ در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم.»

■ **«تعلیم و تربیت» مهم‌تر است نه رنگ لباس** به راستی که رنگ لباس چه اهمیتی در تعلیم و تربیت آینده‌سازان این مرز و بوم دارد؟ آن‌هم در شرایط اقتصادی فعلی که بسیاری از خانواده‌ها به سختی از پس مخارج برمی‌آیند و برخی دخل‌شان همیشه از خرج‌شان عقب‌تر است. خانواده‌ها می‌گویند مهم نیست که فرزندشان با چه رنگ و چه مدل لباسی به مدرسه برود، اینکه آموزش باکیفیتی در اختیار آنها قرار گیرد، حائز اهمیت است و مسئولان و مدیران آموزش و پرورش باید به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته باشند. اما در مقابل مدارس از موضع خود کوتاه نمی‌آیند و هر سال اصرار به خرید لباس فرم‌های جدید و یکدست برای دانش‌آموزان دارند.